

ضرورت های نیاز به الگوی پیشرفت بومی (الگوی اسلامی و ایرانی)

عباداله بانسی^۱

۱- مقدمه

نبود یک الگو برای حرکت رو به جلو موجب سردرگمی و تغییر جهت در طی مسیر بوده و ممکن است بر اساس تأثیر فکری این و آن، جهت گیری ها عوض شود. نبود الگو موجب اتلاف امکانات مادی و معنوی جامعه و تقلید و پیروی چشم بسته از دیگران نیز می گردد (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹:۲۲۱). هرچند سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران افقی روشن را برای جامعه ایرانی به تصویر می کشد که در خور توانایی های بالقوه و شأن هویتی آن می باشد، ولی در نگاهی علمی این مهم میسر نخواهد شد مگر در پرتو الگوهای کارآمد، اثر بخش و هدایت کننده ای که ناظر بر هویت و فرهنگ ایران اسلامی باشد. با این حال مطالعه و ارزیابی دقیق متدولوژی و نتایج برنامه های توسعه و پیشرفت کشور و نیز تحلیل دستاوردهای برنامه های توسعه دیگر کشورها در سطح منطقه ای و حتی جهانی دربرگیرنده نکات مثبت و منفی متعددی است که لازم است جهت تحقق فرهنگ و هویت اسلام و انقلاب دقیقاً مورد اعتنا واقع شده تا سرنوشت سند چشم انداز که امیدبخش آینده روشن ایران به واسطه الگوهای التقاطی و غیر اسلامی دستخوش تجربه ای مشابه نگردد.

بنابراین برای طراحی الگوی پیشرفت لازم است واقع نگری و آرمان گرایی را توأمان در نظر گرفت تا از یک سو واقعیات جهان هم چون تمایز بین جهانی سازی به مفهوم هژمونی آمریکایی و جهانی شدن به عنوان یک ضرورت تاریخی درک گردد و از دیگر سو آرمان های انقلاب اسلامی همچون اقامه قسط و توسعه آزادی های مشروع تضمین گردد و موج بیداری اسلامی در چارچوب الگوی پیشرفت کشور صرفاً به عنوان یک ابزار سیاسی - تبلیغاتی نگرسته نشود. علاوه بر این، الگوی پیشرفت باید ناظر بر توسعه فراگیر مادی - معنوی جامعه در کلیه قلمروها بوده به گونه ای که پیشرفت سیاسی، اقتصادی، آموزشی، فناوری، حقوقی و دیگر قلمروها و نهادهای مهم جامعه را بصورت همگون، پیوسته و پایدار تضمین نماید. به عبارتی الگوی پیشرفت سنگ زیرین دیگر ارکان سند چشم انداز محسوب می گردد و در پرتو آن امکان جهت دهی کلیه فعالیت ها، استراتژی ها و خط مشی ها در کلیه قلمروهای اجتماعی به دور از تهدیدهایی هم چون سیاست زدگی و اعمال گرایش حزبی و امکان بسیج منافع و نظارت اثر بخش بر روند اجرای اهداف فراهم می گردد.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه جامع تعالی جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه های اسلام و متناسب با شرایط و ظرفیت ها می باشد (وکیلی، ۶۰۷:۱۳۹۱) که هدف غایی آن، بازتولید حیات طیبه اسلامی است (رفیعیان نجفآبادی، ۶۸۸:۱۳۹۱). از این رو در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، هم سطح، هم عمق، هم گردآوری و تولید مفهوم و معنا برای شکل گیری این الگو و هم به کارگیری چنین الگویی به عنوان موتور محرکه تعالی در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی و اقتصادی کشور متناسب با نیازهای کنونی و نیازهای آینده جامعه ایران مطرح

^۱ - عضو هیات علمی گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه هرمزگان

است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱:۵۸۵) و برای طراحی آن لازم است واقع‌نگری و آرمان‌گرایی را توأمان در نظر گرفت (فاتح راد، ۱۳۹۱:۷۶۴).

۲- مفهوم الگو

الگو معادل کلمه *Pattern* در زبان انگلیسی و اسوه در زبان عربی بوده و از لحاظ لغوی به نظریه، مدل، انگاره، سرمشق، مقتدی، نمونه و طرح معنا شده است. در لغت‌نامه دهخدا، روبرو، مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال و نمونه به‌عنوان معانی این واژه ذکر شده است. در دسته‌بندی دیگری الگو به چهار معنی نقشه راه، سرمشق، نظریه سیاسی و مدل تعبیر شده است (الویری، ۱۳۹۱:۱۴۲). یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی (به‌ویژه کوتاه) یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته می‌شود (میرمعزی، ۱۳۹۰:۶۱) و در اصطلاح عبارت است از بیان یک و یا چند واقعیت به هم مرتبط توسط نمادهای مختلف نوشتاری، ترسیمی یا فیزیکی (خوش‌چهره و همکاران، ۱۳۹۱:۲۲۰). اساساً الگو طراحی می‌شود تا برای تحقق هدفی، راهی بنماید و مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها را در اختیار گذارد. لذا کشف عوامل مؤثر در تحقق یک هدف و شناخت رابطه بین آن‌ها، شرط ضروری برای تبیین یک الگو می‌باشد (تقوی، ۱۳۸۷:۷۴). یک الگو دارای ویژگی‌های متعددی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (اقبالی، ۱۳۹۱:۸۵۰):

- شفافیت و مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهد؛
- باور همگانی نسبت به موضوع موردنظر ایجاد می‌کند؛
- هویت ملی را تحکیم می‌بخشد؛
- راه رسیدن به موفقیت را آسان می‌کند؛
- احیای خصلت‌ها را به همراه می‌آورد؛
- معیاری برای اولویت‌بندی کارها (اولویت‌های سیاسی، اقتصادی، آموزشی و...) در هر بخش مشخص می‌کند؛
- بایدها و نبایدها، دردها و درمان‌ها را مشخص می‌کند؛
- آموزش و انتقال مفاهیم را سرعت می‌بخشد؛
- با توجه به هدفی که از طرح الگو وجود دارد، انتخابی آگاهانه را محقق می‌کند.

از الگو می‌توان متناسب با نیاز و سطح مطالعه در معانی گوناگونی تعبیر کرد (۱) الگو به‌معنای نظریه-مدل، (۲) الگو به‌معنای پارادایم و (۳) الگو به‌معنای اسوه، که می‌توان بیان داشت مفهوم موردنظر مقام معظم رهبری از الگو نیز، به مفهوم الگو در معنای سوم، قرابت بیشتری داشته، لیکن این بدین معنا نیست که معانی دیگر در ذیل عنوان الگو مردود تلقی شود. بسط معنایی واژه الگو، ضمن توجه به معنی الگو در رویکرد سوم، امکان گسترش استفاده از مبانی نظری و دستاوردهای الگو در معانی دیگر را نیز فراهم می‌آورد (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۱:۱۲۰).

۳- کارکردهای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

از هر الگویی می‌بایست انتظاراتی داشت و بر همین اساس از الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، می‌توان انتظار داشت که به دوسوال "به کجا" و "چگونه" پاسخ دهد. لذا می‌توان گفت که این الگو، یک الگوی نظریه‌ای با کارکرد هنجاری محسوب می‌شود؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی- ایرانی پیشرفت پرداخته و نرم‌افزار یا منطق اداره جامعه را فراهم می‌آورد. بر این اساس، دو کارکرد کلیدی را می‌توان برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر گرفت (ذوعلم، ۹۴: ۱۳۹۱):

- هدایت، جهت‌بخشی و تعیین تکلیف محتوایی و راهبردی همه اسناد کلان، طرح‌ها و برنامه‌های بلندمدت نظام.

- الهام‌بخشی هم برای مردم و هم برای مسئولان نظام که در نتیجه موجب ارتقای انگیزه کار، تلاش، روحیه امید و همدلی در مسیر پیشرفت خواهد بود.

علاوه بر دو کارکرد فوق، موارد دیگری را نیز می‌توان به‌عنوان کارکردهای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به شرح ذیل برشمرد (علی‌اکبری، ۷۶: ۱۳۹۱):

- پایه‌های فکری و مواضع ایدئولوژیک کشور را شامل می‌شود.
- متقن و مستدل است.
- شامل همه آنچه به اداره کشور و سیاست‌های اسلامی باشد، می‌شود.
- تئوری همه فعالیت‌های تدبیری جامعه می‌باشد.
- کاملاً برگرفته از مکتب اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد.
- طرحی کلی برای همه مسائل زندگی مقرون به سعادت همه‌جانبه است.
- الهام‌بخش تکالیف و وظایف است.
- روشنگر خطوط اصلی و جهت‌گیری‌های کلان و روش‌های بایسته مورد نیاز است.
- قابل تکرار و تعمیم‌پذیر می‌باشد.
- برنامه‌ها، فعالیت‌ها، حرکت‌ها و اجرای سیاست‌ها را روان و تسهیل می‌کند.
- شوق‌آفرین، جذاب و شکوفا کننده استعدادها خواهد بود.
- گفتمان‌سازی می‌کند.
- دربردارنده نظریه‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خواهد بود.
- روش‌ها و شیوه‌های عمل را مشخص خواهد کرد.
- تفسیر واحدی از کلیت نظام (حاکمیت، مردم، جامعه و ...) ارائه خواهد نمود.
- بیانگر انسجام فکری خواهد بود.
- از تفسیرهای غلط و انحرافی جلوگیری خواهد کرد.
- فاصله‌ها و انحراف‌ها را در مسیر حرکت نظام آشکار خواهد ساخت.

۴- مفهوم پیشرفت

اصطلاح پیشرفت بعد از دگرگونی‌های صنعتی قرن هجدهم میلادی در فرهنگ علوم اجتماعی رایج شد؛ به طوری که در سال ۱۹۷۴، کندروسه^۲ به عنوان پیش‌قراول این موضوع، اثرش را با نام "طرح یک جدول تاریخی از ترقیات فکر انسان" پدید آورد. پس از او داروین^۳ و لامارک^۴، ترقی را در تکامل موجودات زنده جستند. لاپلاس^۵ نیز تکامل جهان را از آغاز پیدایش آن جستجو می‌نمود. بعدها رشته‌ای خاص در جامعه‌شناسی به نام جامعه‌شناسی ترقی پدید آمد که در برابر جامعه‌شناسی نظم قرار می‌گرفت. منتسکیو، کندرسه و سپس پرودن و مارکس را از جمله بنیان جامعه‌شناسی ترقی می‌توان دانست. معادل انگلیسی واژه پیشرفت، *Progress* است که در ابتدای ورود این مفهوم به زبان فارسی در شش دهه پیش، "پروغره" تلفظ می‌شد؛ چرا که در زبان‌های مثل فارسی و عربی، لفظی برای این مفهوم نبوده است. اما بعدها در فرهنگستان اول، پیشرفت به عنوان معادل این واژه انتخاب شد (زیبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

از واژه پیشرفت می‌توان به فلاح، فوز، رشد، ترقی، توسعه و تکامل نیز تعبیر کرد که طبعاً هر کدام بار معنایی متفاوت با دیگری دارند. بعضی از این واژه‌ها جنبه فردی و بعضی دیگر جنبه جمعی و اجتماعی دارند؛ به عنوان مثال واژه فوز و فلاح، بیشتر جنبه فردی دارند. رشد نیز که معادل انگلیسی آن *Growth* می‌باشد، بیشتر در بعد فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، واژه ترقی که معادل واژه *Impowerment* است، بعد فردی و اجتماعی دارد. اما توسعه معادل واژه *Development* و پیشرفت معادل واژه *Progress*، کاملاً از یک جنبه اجتماعی برخوردارند. پیشرفت، مصدر مرخم مرکب پیش رفتن به معنای جلو رفتن و حرکت کردن به سوی مقابل (مقابل پس رفتن) است و در فرهنگ لغت نیز به پیش‌روی، جلو رفتن، پیروزی، ترقی، ارتقا و پیش رفتن معنا شده است (عمید، ۱۳۸۱: ۳۵۶؛ معین، ۱۳۷۱: ۹۲۵).

این مفهوم با قرارگرفتن در برابر سکون، به نوعی حرکت اشاره دارد. در واقع در پیشرفت، حرکتی مستتر می‌باشد که محصول آن تغییر در وضعیت است. طبق این نگاه، مهم‌ترین مؤلفه در درک مفهوم پیشرفت، آگاهی از وقوع نوعی تغییر است. پیشرفت تغییری مثبت است؛ بدین معنی که برآیند تغییرات در یک زمینه که نتایج و اثرات مفیدی در برداشته باشد را می‌توان پیشرفت نامید. اما تغییرات منفی و حرکت با برآیند تغییرات منفی یادآور پسرفت است. بنابراین مفهوم پیشرفت در یک منظومه معنایی با مفاهیم متعارضی همچون سکون و پسرفت هويت می‌یابد. همچنین از تحلیل واژه پیشرفت، سه مفهوم راه و مسیر؛ پیمودن راه و مسیر و روبه‌جلو بودن در طول مسیر به دست می‌آید (سلیمی‌فر، ۱۳۹۰: ۴۴). اگر این سه مفهوم به درستی در نظر گرفته شود، مفهوم دیگری به نام مقصد از آن‌ها دست می‌آید که باید به آن ختم شود (زمانی، ۱۳۹۰: ۱۵۹). لذا در تعریفی عام، پیشرفت عبارت است از فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب. بر این اساس، یک الگوی پیشرفت باید مشتمل بر سه امر

-
- 2 . Condorcet
 - 3 . Darwin
 - 4 . Lamark
 - 5 . Laplace

(۱) تحلیل وضعیت موجود؛ (۲) تبیین وضعیت مطلوب و (۳) راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب باشد (عربی، ۲۷۴: ۱۳۹۱).

بنوئست^۶ با تأیید این رویکرد، هم چنین، وجود نوعی مثبت‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی را در مفهوم پیشرفت شناسایی کرد. وی در تعریف پیشرفت معتقد است که پیشرفت فرایندی افزاینده و رو به گسترش است که آخرین مرحله آن همواره مطلوب‌ترین و بهترین حالت محسوب می‌شود. همچنین به کمک شاخص تغییر نیز دو تعریف ارزشی و توصیفی از پیشرفت به دست می‌آید. بر اساس تعریف ارزشی، پیشرفت هنگامی به وقوع می‌پیوندد که تغییرات هرچند مثبت، در راستای اهداف و خواست‌های موردنظر جامعه باشند. در این تعبیر، نگاه ارزشی می‌تواند گونه‌ای از تغییرات را که در یک جامعه مثبت قلمداد شده و پیشرفت خوانده می‌شود، در جامعه‌ای دیگر منفی انگاشته و پسرفت خطاب کند. چنین برداشتی، تأکید بر این امر است که پیشرفت در بستر فرهنگ رخ می‌دهد، بدان وابسته است و از این‌رو مفهومی هنجاری- ارزشی محسوب می‌شود اما بر اساس تعریف توصیفی، بیشتر بر جهت‌داری و سامان‌دهی پیشرفت تکیه می‌شود. در این تعریف، پیشرفت، هر گونه تغییری نبوده، بلکه مجموعه‌ای از تغییرات جهت‌دار و سامان‌یافته محسوب می‌شود (دیوسالار، ۲۱۱-۲۱۰: ۱۳۹۱).

لذا در تشریح معنای اصطلاحی پیشرفت می‌توان گفت که پیشرفت به معنای رشد تدریجی سطح و کیفیت زندگی در عرصه مادی و معنوی انسانی است. بر این اساس، مراد از پیشرفت، تحول متکامل است؛ به‌طوری‌که استعدادهای فردی و جمعی، پویا شوند. بنابراین می‌توان گفت پیشرفت عبارت است از حرکت اجتماعی از وضعیتی، با اراده و آگاهی مردم آن اجتماع، به سوی حالت و وضعیتی بهتر که رسیدن به آن وضعیت از اهداف و آمال آن مردم است. این حرکت اجتماعی از ابتدا تا انتها نیازمند نوعی رهبری اثربخش است تا حرکت، سریع، مداوم و موفقیت‌آمیز بوده و بتوان جامعه را از وضعیت موجود و با لحاظ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مورد قبول به مقصد نهایی راهبری کرد. علامه طباطبایی (ره) نیز پیشرفت به مفهوم عام را عبارت از تحولی مداوم در روابط، قوانین و ابزار حیات برای دستیابی به اهداف انسانی می‌داند که ماهیت این اهداف انسانی نیز در راستای تحقق اهداف الهی تبیین می‌گردد (عبدالحمید و همکاران، ۳۵۹: ۱۳۹۱).

۵- مفهوم پیشرفت در اسلام

فرایند پیشرفت در جامعه اسلامی، تحول اساسی و بنیادی در کمیت و کیفیت زندگی فردی و اجتماعی است که در این تعریف، جامعه به منظور تامین نیازهای اساسی در همه امورات زندگی به گونه‌ای هدفمند، جامع، فراگیر، متعادل و پایدار مطابق اسلام در نظر گرفته می‌شود. لذا بر اساس آموزه‌های اسلام، پیشرفت صرفاً مادی نبوده بلکه جنبه‌های معنوی رشد و تعالی انسانی را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد. به عبارت دیگر اصطلاح پیشرفت، سعادت بشری را هم در بخش مادی و هم در بخش معنوی در بر دارد.

در توضیح معنای اصطلاحی پیشرفت از نظر اسلام، می‌توان گفت که پیشرفت به معنای رشد تدریجی سطح و کیفیت زندگی در عرصه مادی و معنوی است. بنابراین این واژه مبتنی بر رشد و تعالی چند بعدی بوده نه سطحی و تک‌ساحتی. بنابراین، در فرایند این پیشرفت، تامین خواسته‌های مادی و معنوی انسان، رشد و تعالی فرد و جامعه

به صورت توأمان مطرح بوده و هدف نهائی آن رساندن انسان به کمال نهائی یعنی " قرب الی الله " است که با شکوفا شدن همه استعدادهای درونی انسان در ذیل واژه حیات طیبه تحقق می یابد(خوش چهره وحبیبی، ۱۳۹۰:۲۲۵).

در این خصوص، می توان با مراجعه به قرآن کریم و روایات مطروحه به آیات و مضامینی دست یافت که در آن ها به نوعی به پیشرفت در معانی مختلف آن اشاره شده است. در این دسته از آیات می توان چهار معنی برای پیشرفت استنباط نمود: رشد جسمانی، رشد روحانی، رشد اخلاقی و رشد عرفانی(حصیرچی و همکاران، ۱۳۹۰:۵۷). در ذیل به برخی از این آیات و روایات اشاره می شود:

- و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید(سوره آل عمران، آیه ۱۳۹)، تاکید بر رشد جسمانی و عدم رخوت در پیشرفت.
- هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن ها (دشمنان)، آماده سازید...(سوره انفال، آیه ۶۰)، تاکید بر به کارگیری همه توانایی ها در پیشرفت.
- آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان ها و زمین است مسخر شما کرده...(سوره لقمان، آیه ۲۰).
- اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت...(سوره هود، آیه ۶۱)
- .. و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست...(سوره شوری، آیه ۳۸)، تاکید بر مشارکت در پیشرفت.
- .. تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد...(سوره حشر، آیه ۷)، تاکید بر گردش ثروت در پیشرفت.
- هنگامی که یتیمان به سن رشد می رسند، اموالشان را به آنها بدهید...(سوره نساء، آیه ۶)، تاکید بر رشد جسمانی.
- (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد...(سوره بقره، آیه ۳۰)، تاکید بر آبادانی زمین و به وسیله انسان.
- او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید...(سوره بقره، آیه ۲)، تاکید بر در اختیار قرار دادن زمین و نعمات آن برای انسان به منظور رشد مادی.
- او کسی است که زمین را برای شما رام کرد...(سوره ملک، آیه ۱۵)، تاکید بر رشد مادی.
- و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم...(سوره اعراف، آیه ۹۶)، تاکید بر وجود رابطه معنوی با رشد مادی.
- ... ما (جنیان) ندای قرآن عجیبی را می شنویم که هدایت گر به سوی رشد می باشد... (جن، آیات ۱ و ۲)؛ تاکید بر رشد اخلاقی.
- ای پیامبر، بگو که من مالک خیر و شر شما نیستم (جن، آیه ۲۱)؛ تاکید بر رشد اخلاقی.
- (عده ای) فکر می کنند که رشد در به دست آوردن (مطاع) دنیوی است درحالی که این درست نیست(نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)، تاکید بر رشد روحانی.

- و من توکل بر خدا می‌کنم، توکلی که مرا به او باز می‌گرداند و از او طلب ارشاد به راهی می‌کنم که مرا به سوی بهشتش رهنمون سازد (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱)، تاکید بر رشد روحانی.
 - خداوند پس از توبه، آدم را به زمین فرود آورد تا زمین را با نسل او آباد کند (نهج البلاغه، خطبه ۹۱)، تاکید بر وجود رابطه معنوی با رشد مادی.
 - خداوند ایمان را محبوب شما قرار داد، آن را در قلب شما زینت کرده و فکر و فسق و عصیان را نزد شما غیر زینت جلوه داده است. به این ترتیب است که ایشان (شما) راشد خواهد بود (سوره حجرات، آیه ۷)، تاکید بر رشد روحانی.
- از نگاه قرآن و سنت، توسعه از ریشه وَسَّع و به مفهوم گسترش و در مقابل تضیق است. واژه توسعه مانند واژه رشد، واژه‌ای است که به صورت‌های مختلف در قرآن و سنت به کارگیری شده است. به عبارت دیگر، معنی واژه پیشرفت در عربی، واژه توسعه است که در قرآن نیامده است اما مصدر و مشتقات آن، ۳۲ بار در کلام الهی ظاهر و تکرار شده است (نیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷۱). به طوری که در جایی، توسعه به مفهوم توسعه مادی «ما آسمان را بنا نهاده و آن را توسعه می‌دهیم» (سوره الذاریات، آیه ۴۷)، «و به خدایی که گستره شنیدن صداها برایش فراهم است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۵۷) و در جایی دیگر، به معنی گسترش معنوی «همانا خدای شما خدایی است که هیچ خدایی جز او نیست و عمل او بر همه چیز فراگیر است» (سوره طه، آیه ۹۸)، «هر خواسته‌ای با رسیدن به آن رو به محدود شدن می‌گذارد، به غیر از علم‌خواهی که رو به افزایش می‌گذارد.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰)، آمده است.

۶- اسلامی و ایرانی بودن الگو

پس از تبیین دو مفهوم الگو و پیشرفت، تبیین اسلامی و ایرانی بودن الگو در عبارت الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی ضروری به نظر می‌رسد. واقعیت آن است که الگوی پیشرفت ظرفی دارد و آن اسلامی و ایرانی بودن آن است. این ظرف اسلامی و ایرانی از هم جدا نیست؛ اسلام به ایرانی هویت بخشید و ایرانی نیز موجبات گسترش اسلام را فراهم نمود (حصیرچی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۲). بر این اساس، سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که مراد از دو عنصر اسلامی و ایرانی در الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی چیست و نحوه ارتباط و قرار گرفتن این دو عنصر در کنار یکدیگر ناظر به کدام واقعیت می‌باشد؟ بر این اساس در ادامه این دو مهم تبیین می‌شود.

۶-۱- اسلامی بودن الگو

بر اساس قید اسلامی بودن، می‌بایست هر نوع مفهوم یا شاخصی که در تعریفی از پیشرفت دخیل است را با مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلامی مبتنی نمود (عرب، ۱۹۱: ۱۳۹۰). ضرورت توجه به مؤلفه‌های اسلامی الگوی پیشرفت از این بابت است که دین به عنوان یک برنامه همه‌جانبه برای زندگی تعریف شده است. به طور قطع اسلام نه تنها به آخرت توجه کرده است بلکه با بررسی آیات و روایات به زندگی دنیایی نیز با در نظر گرفتن مفهوم

تعالی و کمال، توجه کرده است. لذا نمی‌توان اسلام را دینی همه جانبه دانست ولی در پیشرفت به آن توجه نکرد (نیری، ۱۳۹۱: ۵۷۰). بر اساس نظر مقام معظم رهبری اطلاق واژه اسلامی به الگوی پیشرفت عبارت است از: «به خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد. بنابراین "اسلامی" هم به این مناسبت است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: ۷۶۲۶):

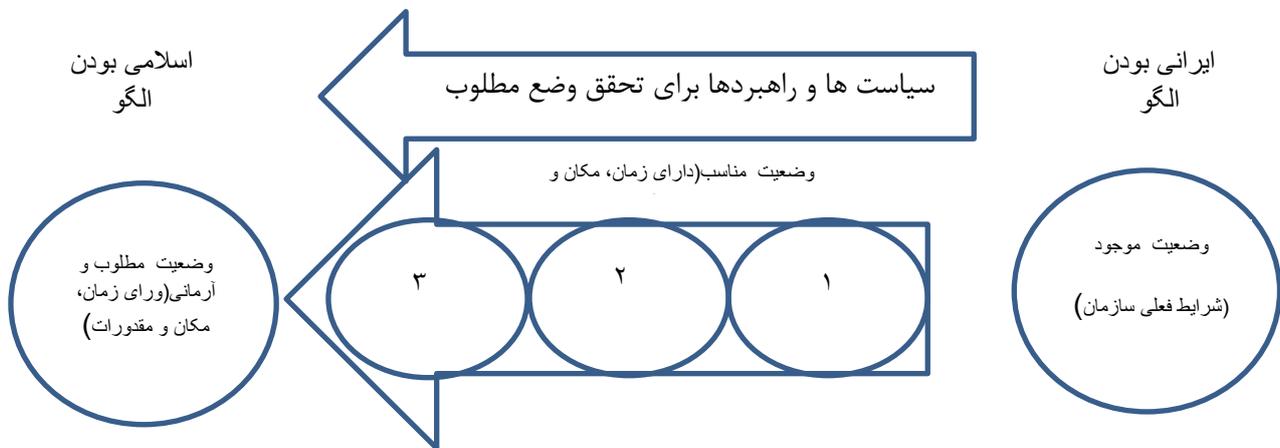
با توجه به موارد فوق می‌توان گفت، الگوی اسلامی پیشرفت، الگویی است که باید مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی باشد و بر همین اساس هم هست که تفاوت در این مبانی و چارچوب‌ها، موجب تفاوت در تبیین و تحلیل وضعیت موجود، وضعیت مطلوب و راهبردها می‌شود (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۶۳؛ عربی، ۱۳۹۱: ۲۷۴). به تعبیری دیگر، اسلامی بودن الگو ناظر به مبانی اندیشه - جهان بینی - اهداف میانی و نهایی، ارزش‌ها و روش بوده که از اسلام مایه می‌گیرد (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

بر این اساس می‌توان گفت مطابق اقتضای قید اسلامی بودن، لازم است مفاهیم، شاخص‌ها و اساساً هر چیزی که در معرفی پیشرفت دخیل است، ناظر به تعریفی اسلامی از پیشرفت باشد و بر مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلام مبتنی شده باشد؛ چه آنکه نمی‌توان تعریفی از پیشرفت ارائه داد که در عین برخوردار نبودن از مبانی فلسفی اسلامی، پیشرفت اسلامی تلقی شود (عرب، ۱۳۹۰: ۱۹۱). بنابراین دلیل مقدم بودن واژه اسلامی بر واژه ایرانی در این الگو نیز چنین قابل تبیین است. از این‌رو اولین نکته قابل توجه در تدوین و تبیین شاخص‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، آن است که شاخص‌های ارائه شده باید اسلامی باشند؛ یعنی باید برخاسته از مفاهیم اسلامی باشند که بر این اساس، مفاهیم مورد اشاره، وابسته به شرایط، زمان و مکان نخواهند بود (هادوی‌تهرانی، ۱۳۹۰: ۹).

همچنین قید اسلامی در پیشرفت اسلامی، شرط اساسی برای نظریه‌پردازی و الگوسازی است؛ چرا که بدون این قید، ثمره ظهور چگونگی فعالیت‌ها در تکامل معنوی انسان از یک‌سو و دلالت کلام وحی در سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم امور از سوی دیگر، نادیده گرفته می‌شود و لذا با کاستی‌های جدی مواجه خواهد بود (درخشان، ۱۳۹۰: ۲۹). آنچه انتظار می‌رود این است که یک الگوی اسلامی توسعه، باید از بعد اسلامی بودن آن برای کشورهای اسلامی و از بعد معنوی‌گرا بودن آن برای جوامعی که به دنبال معنویت هستند، مفید باشد (سلیمی‌فر، ۱۳۹۰: ۴۰).

هم چنین، این مفاهیم را که ورای زمان و مکان بوده و در قالب شرایط وامکانات نمی‌گنجد، را می‌توان به عنوان ارزش‌ها، آرمان‌ها، ایده آل‌ها و مطلوب‌ها قلمداد نمود. آرمان‌ها و مطلوب‌های این الگو در حکم "وضعیت مطلوب" می‌باشد که جامعه همواره سعی دارد به سمت آن حرکت کند (بر اساس فلسفه حرکت در اسلام، وصل کمال و غایت سازمان و جامعه هیچگاه محقق نمی‌شود و بر همین اساس اداره و تغییر سازمان و جامعه نیز امری مستمر و دائمی تلقی می‌شود).

" حرکت عبارت است از رهائی تدریجی چیزی از قوه و رسیدن به فعلیت". باید توجه داشت که اگر موجودی، کمالی را واجد و دارا باشد هیچ گاه به سوی آن حرکت نمی کند، زیرا همواره کوشش وجستجو به سمت مفقود است نه به سمت موجود. در عین حال تذکر این نکته ضروری است که حرکت در امتداد زمان و به تدریج تحقق می یابد(جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۸۳، ۱۶۷: ۱۳۶۶) و این امتداد و تدرج تا بی نهایت قابلیت انقسام دارد و چنان چه اگر خطی فرضی از مبدا اولیه تا غایت آن ترسیم شود، با توجه به قابلیت انقسام حرکت، می توان بر روی آن مبادی و مقاصدی نسبی (مصباح یزدی، ۲۷۶، ۱۶۹: ۱۳۷۰) لحاظ کرد که این مقاصد می توانند حالات و صور مختلفی داشته باشند. این حالات و صور نسبی که خود در قالب شرایط زمان، مکان، بودجه و مقدرات سازمان و جامعه تعریف می شوند، به عنوان برنامه ها و مقاصد واسطه ای، تبدیل وضعیت موجود سازمانی را به وضعیت مطلوب و آرمانی آن تسهیل می بخشند. همان طور که در نمودار شماره ۵-۲، ملاحظه می شود، این حالات را می توان "وضعیت مناسب" نیز تعبیر کرد.



نمودار ۵-۲- اسلامی و ایرانی بودن الگوی پیشرفت (بهمنی، ۱۳۸۸)

با توجه به آنچه که تاکنون در این بخش از نظر گذشت، در این رساله نیز مقصود از رویکرد اسلامی در طراحی مدل جامع رهبری اثربخش سازمانی، استخراج و احصاء مولفه ها و شاخص های رهبری سازمانی از منابع دینی در دسترس (قرآن کریم و سنت) می باشد.

۲-۶- ایرانی بودن الگو

واژه ایرانی مشتق شده از واژه ایران و به معنی سرزمین آریایی ها است. واژه آریا نیز به اصیل و شریف معنی شده است. همچنین در زبان سانسکریت، آریه به معنی سرور و مهتر و آریکه به معنی مرد شایسته بزرگداشت و حرمت می باشد. همچنین آریایی به زبان اوستایی، اثیرین و به زبان پهلوی و پارسی دری، ایر خوانده می شود (دهخدا، ۱۳۷۳). ایر در واژه به معنی آزاده و جمع آن ایران به معنی آزادگان است.

با مراجعه به آثار باستانی و همچنین آثار مکتوب برجای مانده از تحقیقات و مطالعاتی که طی سال های گذشته توسط دانشمندان و محققان ایرانی و شرق شناسان انجام گرفته است، نشان از عظمت، قدمت و استحکام فرهنگ و تمدن ایرانی در عهد باستان و نوسازی و به روز شده آن در قرن ۱۶ تا اوایل قرن ۱۸ میلادی (۱۷۲۲-۱۵۰۱ میلادی)

مطابق قرون ۹ تا ۱۲ هجری شمسی دارد. از این رو فرهنگ و تمدن ایران و ایرانی در اغلب قریب به اتفاق منابع اصیل دانش جهانی و کتب تاریخ تمدن، تاریخ علم، تاریخ فلسفه و ...، برگ‌های زرینی را به خود اختصاص داده است و بی‌تردید قرن‌ها فرهنگ و تمدن ایرانی، الگوی بی‌بدیل دیگران بوده است (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

لذا آنچه ایران و ایرانیان امروز در پی آن هستند، احیای میراث غنی فرهنگ اسلامی و ایرانی در قالب تمدن تراز نوین است که مسیر آن به‌درستی از طراحی الگوی اسلامی- ایرانی می‌گذرد. چرا که یکی از مهم‌ترین وجوه گفت‌مان پیشرفت ملی، تأکید بر درون‌زایی، بومی و سازگار بودن الگوی پیشنهادی با حقایق، واقعیات، خواسته‌ها و آرمان‌های ملی منعکس شده و برخاسته از متن راهبردی قانون اساسی است. بدان دلیل که هر کشوری واقعیاتی و هر ملتی خواسته‌هایی دارد که می‌تواند از واقعیات کنونی و آرمان‌های آینده ملت‌ها و کشورهای دیگر متفاوت و متمایز باشد و همین اصل تردیدناپذیر ایجاب خواهد کرد که هر کشور و ملتی به دنبال الگوی ویژه و رویکرد سازگار و متناسب گزینه مناسب خویش باشد (خوش‌چهره و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۱). از سوی دیگر، نادیده انگاشتن شرایط، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های درونی هر کشور می‌تواند به طراحی برنامه‌هایی به‌دوراز واقعیت منجر شود. لذا می‌توان گفت:

«پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما- الگوی ویژه خود را دارد؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورد؛ چه نسخه پیشرفت آمریکایی، چه نسخه پیشرفت اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپای شمالی- کشورهای اسکاندیناوی، که آن‌ها یک نوع دیگری هستند- هیچ‌کدام از این‌ها برای پیشرفت کشور ما نمی‌تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خودمان پیدا کنیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۵۳۷۵).

بر این اساس می‌توان گفت قید ایرانی بودن ناظر به این است که باید در زمینه پیشرفت، شرایط، زمان و مکان را در نظر گرفت. به عبارت دیگر، اسلام خود کامل است ولی از آنجایی که در مقطع معینی این الگو اجرا می‌شود، باید ویژگی‌های زمانی، مکانی و ظرف تحقق آن به‌دقت لحاظ شود (هادوی‌تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۳). شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران امروز، با سایر کشورها متفاوت است. از جمله مؤلفه‌های مربوط به این تفاوت‌ها می‌توان به شرایط اقلیمی، رشد و ساختار جمعیت، دسترسی به منابع طبیعی، موقعیت منطقه‌ای و جهانی، دسترسی به سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی، انسانی و اجتماعی اشاره کرد (سلیمی‌فر، ۱۳۹۰: ۵۱). بر همین اساس هر ملتی اگر بخواهد از الگوی توسعه سرمشق بگیرد، باید ویژگی‌های جغرافیایی، انسانی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فرصت‌ها و تهدیدهای خود را در اصلاح الگو مد نظر قرار دهد، پس ایرانی بودن الگو امری اجتناب‌ناپذیر است (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۳). بنابراین، اگر اسلامی بودن جامعیت الگوست، ایرانی بودن، واقعیت آن را تامین می‌کند.

همچنین باید توجه داشت از آنجا که اسلام در اختیار ملت‌های گوناگون و متعددی قرار داشته و هر کدام از آن ملت‌ها بر اساس ظرفیت‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود به آن عمل کرده‌اند، طبیعی است که الگوهای متعددی هنگام عینی‌سازی و عملیاتی کردن آموزه‌های اسلام شکل گیرد. بر این اساس هر جامعه‌ای متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی خاص خود، الگویی را خلق و مورد عمل قرار داده است و چه‌بسا تقلید از دیگران بدون توجه به

گذشته از این، ظرفیت نخبگی، توان کارشناسی و قدرت برنامه ریزی سرمایه انسانی کشور بسیار غنی بوده و نیاز کشور به الگوی پیشرفت از یک طرف و ظرفیت های موجود کشور به لحاظ توان طراحی و تدوین الگو از طرفی دیگر، این امکان را برای نظام برنامه ریزی کشور فراهم ساخته است تا بتواند در مسیر طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان یک ضرورت اساسی و حتی حیاتی گام بردارد. در این راستا می توان به الزامات زیر نیز توجه داشت:

تفاوت پیشرفت غربی و اسلامی : پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت. این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال اوست؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال اوست و همین را به همه توصیه می کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است. پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می شود، باید طوری برنامه ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود(آیت اله خامنه ای، ۱۳۸۶).

بهره گیری تمام بشریت از پیشرفت اسلامی ایرانی : هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است(آیت اله خامنه ای، ۱۳۸۶).

۲-۷ - ضرورت قانونی

از سال ۱۳۸۵ طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از سوی مقام رهبری به عنوان یک ضرورت برای کشور طرح گردیده و ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی و نیاز کشور به یک الگوی پیشرفت بومی و وجود ظرفیت های بالایی که در کشور برای رشد، توسعه و پیشرفت وجود دارد از دلایل طرح این موضوع از سوی ایشان بوده است. لذا مطالبه رهبری می تواند به عنوان ضرورت قانونی برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محسوب شود و بیانات و رهنمودهای ایشان در طی سال های اخیر نیز موید اهمیت این مهم می باشد. هم چنین متن نامه ابلاغی ایشان در سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه نشان دهنده این دغدغه برای طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می باشد.

ماده یک قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه نیز به عنوان یکی دیگر از ضرورت های قانونی طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برشمرده می شود. در این ماده قانونی آمده است "ماده یک : دولت موظف است با همکاری سایر قوا « الگوی توسعه اسلامی - ایرانی » را که مستلزم رشد و بالندگی انسان ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه ای متکی بر ارزش های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه های بعدی قرار می گیرد.

تبصره: دبیرخانه تهیه این الگو در قوه مجریه مستقر خواهد بود و رؤسای قوای سه گانه کشور در این ماده قانونی موظفند با اتخاذ سازوکارهای لازم در هر قوه به فرآیند تهیه آن کمک کنند" (قانون برنامه پنج ساله پنجم) فرمان رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) مبنی بر تشکیل مرکز و شورای عالی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در دوم خرداد ماه ۱۳۹۰ نیز ضرورت قانونی دیگری در فراهم سازی مقدمات لازم برای طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برشمرده می شود. با این ابلاغیه، ساز و کار نهادی و تصمیم گیری و چگونگی طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و فراهم سازی مقدمات آن کارگشا می شود.

۳-۷- ضرورت علمی

یکی دیگر از ضرورت های طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ضرورت علمی برای این موضوع است. با پیچیدگی های جهان امروزی و رقابت های سلطه طلبانه در قدرت و اقتصاد جهانی که به دور از همه ارزش های انسانی و اخلاقی است و با شعارهای زیبا و فریبنده ولی توخالی مانند دموکراسی، آزادی، مبارزه با تروریست، حقوق بشر و... مطرح می گردد، کشورهای سلطه گر سعی در استعمار نوین بر دیگر کشورها را دارند. این کشورها با نشان دادن زرق و برق و زندگی تجملاتی جوامع خود و بزرگ نمایی آن ها برای دیگر کشورها سعی در خوراندن الگوی توسعه خود برای دیگر جوامع هستند، آن هم قسم تهایی از این الگوها که زمینه وابستگی و خودباختگی کشورها و جوامع مخاطب و هدف را فراهم نموده و فرهنگ و ریشه اعتقادی آن ها را می خشکاند و شرایط را برای تاخت و تاز اقتصادی و استعماریشان میسر می گرداند(وکیلی، ۱۳۹۱).

لذا در جهان امروزی برای پیشرفت کشور، باید الگوی پیشرفت داشت و اگر بپذیریم که الگوی پیشرفت هر کشور خاص آن کشور و بر مبنای مکتب، ایدئولوژی، فرهنگ و مقتضیات اوست لذا کپی برداری محض از الگوی دیگر کشورها تبعات سنگین و جبران ناپذیری را بر جامعه تحمیل می نماید. پیامد استفاده محض از الگوی پیشرفت دیگر کشورها؛ تحقق قنایذیری الگو بوده و زمینه وابستگی و خودباختگی را برای جامعه به همراه دارد. سایر الزامات این الگو را می توان به شرح زیر فهرست کرد:

الزامات اجتماعی: تقویت مناسبات اجتماعی، روابط خانوادگی و نهادهای اجتماعی ایرانی اسلامی.

الزامات سیاسی: ارتباط ارگانیک الگوی پیشرفت اقتصادی با نظام سیاسی، مشارکت مردم در فعالیت ها، جایگاه و سطح مشارکت مردم در فعالیت های سیاسی.

الزامات نهادی: طراحی نهادهای تسهیل کننده فعالیت های اقتصادی مانند نهاد دولت، بازار و قانون.

الزامات اقتصادی: طراحی نظام انگیزشی فعالیت های اقتصادی از طریق تسهیل فعالیت ها و تشویق کار آفرینی.

الزامات اسناد فرادست: الگوی مورد بحث باید هم راستا با اسناد فرادست کشور مانند قانون اساسی و غیره باشد.

الزامات فرهنگی: تعیین و ارتقا جایگاه باورها، آداب و سنن اسلامی - ایرانی و غیره (سلیمی فر، 1390). برخی از

این الزامات فرهنگی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارتند از: احیای ارزش های اساسی، نفی بی اعتمادی و افزایش روحیه خودباوری، کاهش دادن سطح فساد در جامعه، ایجاد فرهنگ کار و تلاش مجدانه، افزایش مسئولیت پذیری و اهتمام داشتن به امور، رواج فرهنگ مصرف صحیح و پرهیز از تجمل گرایی و اسراف، برقراری امنیت فرهنگی و اجتماعی(قربی، سید محمد جواد، ۱۳۹۲).

حال این سوال قابل طرح است که این الگوی پیشرفت و توسعه کشور را چگونه و از کجا می توان تهیه کرد؟ برای پاسخ به این سوال باید به رویکردهای انتخاب الگو، پرداخت.

۸- رویکردهای انتخاب الگوی پیشرفت

به نظر می رسد سه سناریو در این خصوص پیش روی خواهد بود:

سناریوی اول: الگوی توسعه کشوری توسعه یافته را به عنوان الگوی پیشرفت کشور انتخاب و در جامعه پیاده نمود. این روش و این سناریو دارای تبعاتی است که از آن جمله می توان به وابستگی و خودباختگی، ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی و بی هویتی اشاره نمود.

سناریوی دوم: الگوی توسعه کشورهای توسعه یافته را بومی نموده و به عنوان الگوی پیشرفت کشور انتخاب نمائیم. به زبانی دیگر الگوی توسعه غربی یا شرقی را اسلامی نمائیم. این روش و این سناریو نیز تبعاتی دارد که از آن جمله می توان عدم هم خوانی و تناسب با فرهنگ و اعتقادات جامعه، ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی، عدم تحقق در پیشرفت کشور، اتلاف زمان و فرصت ها را نام برد. با این استدلال که بومی نمودن موضوعاتی که ریشه و اصل آن در فرهنگ، مکتب، ایدئولوژی، مقتضیات زمانی و محلی می باشد ممکن نبوده و خطایی بزرگ است. در واقع می توان گفت که هر موضوعی به طور جامع قابلیت بومی شدن ندارد و مثال های نقض بسیاری در این خصوص قابل طرح است.

سناریوی سوم: براساس مکتب، ایدئولوژی و فرهنگ کشور و با استفاده از دستاوردهای علمی و الگوهای توسعه مطرح در جهان، الگوی پیشرفت کشور را طراحی و تدوین نمائیم. این سناریو که به نظر می رسد همان الگوی مطلوب و همان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است خودباوری، تحقق پذیری، هم افزایی، اقتدار، عزت، استقلال و برخورداری از الگوی ملی را برای کشور به ارمغان می آورد. به تعبیری دیگر، می توان رویکردهای دیگری را برای انتخاب الگوی پیشرفت به قرار زیر مطرح نمود (وکیلی، ۱۳۹۰):

۱- ادامه وضع موجود؛ این رویکرد معتقد است ادامه وضع موجود، کشور و جامعه را به پیشرفت و توسعه مطلوب می رساند. (نیازی به الگوی پیشرفت احساس نمی شود).

۲- استفاده از الگوهای توسعه غربی؛ بر اساس این رویکرد، باید یک الگوی توسعه از کشورهای توسعه یافته انتخاب و پیش روی نظام برنامه ریزی کشور قرار گیرد (تبعیت و پیروی محض از الگوهای غیر).

۳- طراحی الگوی بومی؛ در این رویکرد، الگویی برای توسعه و پیشرفت بر اساس مکتب، جهان بینی، فرهنگ و مقتضیات کشور طراحی و تدوین می شود که سه طیف دیدگاه در این حوزه وجود دارد:

۱-۱- الگویی مطرح و قابل قبول از کشورهای توسعه یافته را مبنا قرار داده و سپس اعتقادات دینی، ارزشی و فرهنگی کشور را به آن وارد نماییم (مفهومی از بومی سازی).

۱-۲- الگویی را بر اساس اعتقادات دینی، ارزشی و فرهنگی کشور و فارغ از توجه و نگاه به تجربه و دستاوردهای جهانی طراحی و تدوین نماییم (ابتدا به ساکن عمل نمودن).

۱-۳- اعتقادات دینی، ارزشی و فرهنگی جامعه مبنا قرار گرفته و در عین حال از تجارب و دستاوردهای علمی و الگوهای مطرح و موفق جهانی استفاده نموده و به الگوی مناسب و متناسب دست پیدا نمود. به نظر می رسد با توجه

با توضیحات فوق، رویکرد اخیر مطلوب ترین روش ممکن باشد. هر چند می بایست در تدوین نظریه های علمی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیش فرض هایی به شرح زیر را هم مد نظر داشت :

۹- پیش فرض های پیشرفت علمی : ما چند پیش فرض داریم. یکی این است که پیشرفت علمی، ضرورت حیاتی کشور در علوم مختلف است. پیش فرض دوم این است که این پیشرفت علمی، اگرچه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفت هتر علمی حاصل خواهد شد - بخشی از آن بدون تردید این است - اما فراگیری علم یک مسئله است، تولید علم یک مسئله دیگر است. نباید ما در مسئله علم، واگن خودمان را به لوکوموتیو غرب ببندیم. البته اگر این وابستگی ایجاد بشود، یک پیشرفت هائی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله روی، نداشتن ابتکار، زیر دست بودن معنوی، لازمه قطعی این چنین پیشرفتی است؛ و این جایز نیست.

بنابراین، ما باید علم را خودمان تولید کرده و آن را بجوشانیم و این حرکت را بایستی ما از خودمان، در درون خودمان، با استفاده از منابع فکری و ذخائر میراث فرهنگی خودمان ادامه بدهیم و داشته باشیم. سوم اینکه این پیشرفت علمی بایستی اولاً؛ با خودباوری ثانیاً؛ امید به موفقیت و ثالثاً؛ حرکت جهادگونه، همراه باشد. چون ما فرض را بر این گذاشتیم که پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه به فرهنگ خودمان باشد - فرهنگ ما یعنی اسلام و موارث ملی پسندیده ما - و نیز ناظر به نیازهای کشور. و چهارم اینکه در این حرکت، تنبلی و تن آسائی و محول کردن کار به یکدیگر جایز نیست؛ حرکت جهادگونه باید کرد. جهاد یعنی تلاش بی وقفه، همراه با خطرپذیری - در حد معقول البته - و پیشرفت و امید به آینده (آیت اله خامنه ای، ۱۳۸۷).